

آموزه‌های اخلاق آموزشی

حیدر محلاتی*

چکیده

پیشرفت جامعه و توسعه منابع انسانی از راه آموزش ایدئال محقق می‌شود. چنانچه اصول و پایه‌های این آموزش بر مبانی صحیح اخلاقی استوار شود، دامنه ارتقا و تحول اجتماعی فراگیر خواهد بود. پژوهش حاضر کوششی است در جهت بررسی مبانی اخلاقی در مقوله آموزش، که با کندوکاو در تجربیات دیرینه انسانی و بهره‌مندی از رهنمودهای دینی صورت می‌پذیرد. برخی از این اصول عبارت‌اند از: مثبت‌نگری و امیدبخشی استاد در تبیین دروس آموزشی، به کارگیری علوم در جهت بالا بردن سطح فرهنگ در جامعه، بهره‌مندی از آموزه‌های دینی در آموزش رفتارهای شایسته، پی‌ریزی حس عشق به ممنوع و همکاری جمعی در جان و دل دانش‌آموختگان، تأکید معلم در تدریس بر ارزش‌های اخلاقی مهم مانند امانتداری، نیکوکاری، خوش‌رفتاری، راستی، اخلاص در عمل، قانون‌مداری و دیگر ارزش‌های مهم که تحقق آنها در جامعه بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. نگارنده مقاله سعی بر آن دارد ضرورت‌های اخلاقی آموزش را بررسی و تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش، اخلاق، تعلیم و تربیت، مبانی اخلاق، اخلاق آموزشی.

مقدمه

آموزش صحیح یکی از راه‌های مهم توسعه در جامعه است. در جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته آموزش جایگاه بسیار مهمی دارد و این شعار نیست بلکه نیازی اجتماعی است که ارتقا و اصلاح آن به مثابه ارتقا و اصلاح جامعه است. اهمیت فوق‌العاده تعلیم و تعلم و نقش کلیدی آموزش در یادگیری و کسب تجربه در زندگی بر کسی پوشیده نیست، اما نکته مهم در این باره، یافتن اصول و روش‌های درست تعلیم است که تحقق اهداف توسعه را تضمین کند. برای رسیدن به جامعه پویا و آموزش‌محور، ابتدا باید وضعیت کنونی آموزش بر اساس نیازهای جامعه ارزیابی، و سپس چشم‌انداز آن برای آینده ترسیم شود.

آنچه مسلم است تحقق اهداف خرد و کلان آموزش در جامعه، نیاز به پژوهش‌های عمیق و برنامه‌ریزی‌های دقیق چندساله دارد که باید کارشناسان خبره و صاحب‌نظران آگاه به مسائل تعلیم و تربیت انجام دهند. هیچ‌گاه تصمیمات عجولانه، و اقدامات شتاب‌زده و اجرای برنامه‌های مقطعی و ناپایدار کمکی به آموزش اثرگذار و پایدار نکرده است. بنابراین، تدبیر و اندیشیدن در اصلاح نظام آموزشی و یافتن منظومه متجانس و هماهنگ در امر تعلیم و تربیت هرچند مدت‌دار و زمان‌بر باشد، سودمندتر و ماندگارتر خواهد بود. با نگاهی گذرا به نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته پی به درستی و صحت این مقوله خواهیم برد.

نکته دیگری که نباید از نظر دور نگه داشت، توجه به فرهنگ، تمدن، و باورهای مردم در تنظیم نظام آموزشی است. بدیهی است اقوام و ملل مختلف افکار، عقاید و باورهای مختلفی دارند که ممکن است برای الگو گرفتن یا انتقال به ملل دیگر مناسب نباشند. به همین دلیل، رعایت باورهای اعتقادی و مسائل اخلاقی در تدوین نظام آموزشی کارساز امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است.

پژوهش حاضر بر آن است تا جایگاه رفیع آموزش را از نگاه اخلاق و منش‌های بلند انسانی بررسی کند، و رابطه دو مقوله اخلاق و آموزش را با تحول و توسعه همه‌جانبه اجتماعی ریشه‌یابی کند. اگر باور داشته باشیم که مدرسه و دانشگاه تنها انتقال‌دهنده اطلاعات و مسائل علمی و تخصصی نیستند، بلکه مهارت‌های زندگی و اصول تعامل و رفتار با مردم را نیز آموزش می‌دهند، این انتظار را خواهیم داشت که اجرای دقیق آموخته‌های متعلم در ابعاد مختلف زندگی نشانه موفقیت نظام آموزشی ایدئال خواهد بود (النجیحی، ۱۹۸۱: ۱۳۶). پیش از بررسی موضوع ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که توجه به شاخص اخلاق در نظام آموزشی از منظر جامعه‌شناختی خواهد بود، زیرا زیرساخت تحول یک جامعه در گرو آموزش پیشرفته و اخلاق‌محور آن است.

بررسی موضوع

معلم، که شغل خطیر تعلیم و تربیت انسان‌ها را بر عهده دارد، نخستین سازنده جامعه است. نقش آموزگار در تربیت فرزندان از نقش پدر و مادر کمتر نیست؛ چون فرزند در خارج از خانه و در متن جامعه از طریق معلم و رهنمودهای او هدایت می‌شود. به همین دلیل، رفتار اخلاقی و انسانی معلم نقش اساسی در اثرپذیری متعلم دارد و جامعه نیز در آینده شاهد همین رفتارها و کردارها خواهد بود. بنابراین، توجه معلم به ارزش‌های اخلاقی و اصول صحیح تربیتی از اولویتهای مهم کاری او به شمار می‌رود.

ارزش‌های اخلاقی در یک تعریف ساده و قابل فهم به مجموعه‌ای از معیارها و اصول اخلاقی اطلاق می‌شود که رفتار انسان‌ها را در زندگی کنترل کرده، آنها را به راه راست هدایت می‌کند. طبق همین ارزش‌ها، هر فرد در جامعه حدود و ثغور فعالیت اجتماعی خود را شناخته و بر اساس همین مبانی تعامل فرد در اجتماع تنظیم می‌شود (امین، ۱۹۳۱: ۲). بنابراین، شخصیت هر فرد بر اساس همین ارزش‌ها تشکیل می‌شود، و هر نوع اشکالی که در شکل‌گیری اخلاقی فرد صورت بگیرد ناشی از عدم رعایت این ارزش‌ها خواهد بود.

در دین مبین اسلام رعایت ارزش‌های اخلاقی یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت شمرده شده، و پیامبر اکرم (ص) به عنوان معلم امت اسلامی و آخرین فرستاده خداوند متعال، هدف از بعثت خود را گسترش اصول اخلاقی در جامعه دانستند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۹۹۵: ۸۶/۱۰). خداوند متعال نیز اخلاق کریمانه پیامبر را ستود و فرمود: «وَأَنْكَ لَعَلِي خُلِقَ عَظِيمٍ» (القلم: ۴). حضرت حق، علاوه بر ستودن اخلاق پیامبر، ایشان را انسان کامل و الگو برای کسانی که خواهان خُلق و خوی الهی هستند، معرفی کرد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الاحزاب: ۲۱). این الگوی مهم انسانی تنها برای مسلمانان فرستاده نشده، بلکه پیام و رسالت او جهانی بوده است. از این روی، حضرت حق او را رحمت برای همه جهانیان معرفی کرده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبياء: ۱۰۷). بنابراین رسالت پیامبر برای هدایت خلق به راه راست است؛ راهی که منجر به خیر و رستگاری افراد جامعه می‌شود، و آنها را از آلودگی‌های مادی و تعلقات دنیوی مصون می‌کند.

حفظ و به کارگیری ارزش‌های اخلاقی در جامعه آثار بسیار مهم و فوق‌العاده مثبتی دارد. طبیعتاً دامنه این آثار بسیار گسترده است و در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حضور دارد. رد پای این حضور را می‌توان در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی پیدا کرد. در اینجا به طور موجز و مختصر به تعدادی از این آثار مثبت اشاره می‌کنیم:

۱. مصونیت انسان‌ها از هوس‌های لجام‌گسیخته، و انحراف‌های غریزی؛

۲. هدایت رفتارهای انسان در جهت تحقق آرامش ذهنی و امنیت درونی او؛
۳. تشویق به انجام امور خیر و پرهیز از اعمال شرورانه و فسادآمیز در جامعه؛
۴. بیدار کردن وجدان انسان‌ها و ترغیب آنها به نقش‌آفرینی در جامعه؛
۵. ارزیابی انسان‌ها بر اساس معیارهای اخلاقی، نه معیارهای مادی و دنیوی؛
۶. بهترین سازوکار برای ساختن زندگی ایدئال و جامعه آرمانی؛
۷. پی‌ریزی کردن خصلت‌های نیک، مانند ایثار، عشق و دوستی، در جامعه؛
۸. ایجاد ثبات و پایداری در جامعه؛
۹. آماده‌سازی جامعه جهت مقابله با انواع تهدیدها و چالش‌های اجتماعی؛
۱۰. تحقق پیشرفت و تحول مثبت در جامعه از راه امانتداری و شایسته‌سالاری.

این آثار و ده‌ها اثر دیگر همگی در جهت توسعه منابع انسانی و پیشرفت و تحول افراد جامعه منظور می‌شوند. آغاز و لازمه این تحول را باید در نظام آموزشی اخلاق‌مدار جست‌وجو کرد؛ نظامی که دانش‌آموز را برای تحمل مسئولیت‌های زندگی و هم‌زیستی مؤثر با محیط خود مهیا می‌سازد (دیپ، ۱۹۸۱: ۱۰).

حال با توجه به شناسایی هدف، که همان تشکیل نظام آموزشی اخلاق‌محور است، باید معیارهای اخلاقی مورد نظر این نظام را شناخت و در ساز و کارهای آن به کار بست. البته ارزش‌های اخلاقی در حوزه‌های مختلف اجتماعی متفاوت و متغیرند، به همین دلیل ارزیابی اثر و کارایی هر یک از این ارزش‌ها با توجه به نیازمندی‌های نظام آموزشی مذکور، برای تحقق عملی آنها و پیش‌گیری از هر گونه انحراف و شعارزدگی، لازم و ضروری است.

نکته در خور توجه در خصوص اجرایی کردن ارزش‌های اخلاقی در نظام آموزشی الگومند، دشواری و سختی نظارت بر حسن انجام این کار است. از آنجایی که ارزش‌های اخلاقی با معیارهای محسوس مادی قابل سنجش نیستند، و لازمه اجرای آن تعهد اخلاقی معلمان و مجریان این نظام آموزشی است، بنابراین افراد گماشته‌شده برای انجام این امر خطیر باید این خصوصیات اخلاقی را در زندگی روزمره خود پیاده کنند و به صورت ملکه ذهنی و رفتاری در وجودشان درآوردند تا به صورت طبیعی و خودجوش و به دور از هر گونه تکلف و تصنع به متعلمین خود منتقل کنند. در چنین حالتی، ارزش‌های اخلاقی در نظام آموزشی و سپس در نظام اجتماعی نهادینه می‌شود. در اینجا به مواردی از ارزش‌های اخلاقی و نیازهای معنوی نظام آموزشی که به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران امر تعلیم و تعلم بدان نیاز دارند اشاره می‌کنیم، تا مقدمه‌ای برای تدوین منشور اخلاقی آموزش باشد.

۱. وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری

یکی از معیارهای جامعه آرمانی و موفق احساس مسئولیت و تعهد اخلاقی افراد آن جامعه در انجام دقیق وظایف و حسن اجرای کارهای محوله به آنهاست. چنین حسی اگر در جامعه‌ای فراگیر و عمومی شود بسیاری از آسیب‌ها، عقب‌ماندگی‌ها، و ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی اصلاح می‌شود و به تدریج از بین می‌رود. در نظام آموزشی، که افراد مختلف با سمت‌های مختلف مشغول فعالیت هستند، مانند معلم، مربی، مدیر مدرسه و مدیران رده‌های بالاتر، اگر هر یک به وظیفه قانونی و انسانی خود صادقانه و مسئولانه عمل کنند، هرگز خلأ آموزشی و تربیتی به وجود نخواهد آمد. برای نمونه، اگر معلم کلاس‌های ابتدایی تمامی دروس مقرر و مورد نیاز دانش‌آموز را در این مقطع تحصیلی بدون کمی و کاستی و با دقت و حوصله و صرف وقت تدریس کند، دیگر نیازی به کلاس‌های تقویتی، و معلم خصوصی نیست، و دانش‌آموز در مقاطع بالاتر دچار ضعف و افت تحصیلی نخواهد بود.

وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت در برابر تعهدات شغلی، به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت، ابعاد گسترده فرازمانی خواهد داشت. دانش‌آموز از معلم خود تنها حساب و کتاب یاد نمی‌گیرد، بلکه تمامی خصوصیات اخلاقی ایشان را مد نظر داشته، رفتار و کردار معلمش را به عنوان رفتار صحیح و الگو می‌شناسد. اگر معلم سر ساعت معین وارد کلاس شود و سر ساعت مقرر درس را به اتمام برساند، این حس را در وجود دانش‌آموز القا می‌کند که انضباط و هدر ندادن وقت از وظایف هر فرد در جامعه است. این رفتار معلم از تدریس ده‌ها کتاب و صرف ساعت‌ها آموزش کارسازتر و اثرگذارتر است. این تنها یک ارزش اخلاقی است که می‌توان از راه رفتار معلمان به دانش‌آموزان آموخت. دیگر ارزش‌های مهم اخلاقی، مانند امانتداری، قانون‌مداری، راست‌گویی، خوش‌رفتاری، فروتنی، ساده‌زیستی، نیکوکاری و ... را نیز می‌توان به آسانی از راه سیره عملی معلم به شاگردان انتقال داد.

به هر حال، حسن انجام کار در نظام آموزشی فعال و ایدئال یک شرط الزامی است. بدون این شرط تحقق آموزش صحیح و مطمئن امکان‌پذیر نخواهد بود. در آموزه‌های دینی ما بر حسن انجام کار تأکید فراوان شده است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «رَجِمَ اللَّهُ مَنْ عَمَلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ» (قرطبی، ۱۹۸۵: ۲۴۴/۱۳)؛ رحمت خداوند بر کسی باد که کاری را بر عهده گیرد و به نحو احسن انجام دهد. علی (ع) نیز در بیانی کوتاه و سرشار از حکمت فرمودند: «قِيمَةُ كُلِّ شَيْءٍ مَا يَحْسُنُهُ» (شریف رضی، ۱۴۱۲: ۴۸۲). ارزش هر انسان در هنر و کارایی اوست. سعدی شیرازی در *گلستان* خود حکایتی را نقل می‌کند که مبین همین مطلب است: «اعرابی را دیدم که

پسر را می‌گفت: یا بُنی اِنَّکَ مسْتَوِل یوم القیامة بماذا اکتسبت ولا یقال بمن انتسبت؛ یعنی ترا خواهند پرسید که هنرت چیست و نگویند پدرت کیست» (سعدی، ۱۳۷۲: ۲۵۲).

۲. ارج نهادن و احترام‌گزاری

معلم و شغل شریف تعلیم، ارزش و قداست خاصی دارد. از دیرباز اهمیت این شغل و بازتاب معنوی آن در جامعه برای تمامی افراد روشن و آشکار بود. امروزه جوامعی که شغل معلم را مقدس و مهم می‌دانند، و در احترام و تقدیر معلم کوشا هستند در نخستین رده کشورهای پیشرفته و مترقی هستند. آنان نیک دانستند که ارج‌گذاری به مقام شامخ علم و محترم شمردن جایگاه رفیع معلم به مثابه ارج نهادن به عظمت زندگی و نکوداشت انسانیت است.

در جامعه آرمانی که معیارهای انسانی و اخلاقی ملاک زیبایی‌ها و ارزیابی‌هاست، مقامی بالاتر از مقام معلم و شغلی برتر از شغل تعلیم وجود ندارد؛ و این یک تعارف نیست، بلکه حقیقتی گمشده در دنیای پر زرق و برق مادی است. مگر نه اینکه تمام ثروت‌ها و سرمایه‌ها برای ساختن دنیایی رؤیایی و آرمانی هزینه می‌شود. آیا تحقق چنین دنیایی بدون آموزش صحیح و اخلاقی امکان‌پذیر است؟

رسول خدا (ص) برای مقوله علم حرمت قائل بود. در فرآیند تعلیم هر دو رکن آن، یعنی معلم و متعلم، از نظر پیامبر اکرم (ص) موقر و محترم‌اند. ایشان فرمودند: «وَقَرُّوا مَن تَعَلَّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ، وَوَقَرُّوا مَن تَعَلَّمُونَهُ الْعِلْمَ» (پاینده، ۱۳۷۴: ۷۹۵)؛ و این تنها یک دستور دینی نیست بلکه روشی مهم در زندگی است؛ چون رفتار محترمانه با استاد نشانگر پای‌بندی افراد جامعه به اصول انسانی و اخلاقی است. امام سجاد (ع) در رساله الحقوق خود دستورالعمل مفصلی درباره رعایت حقوق معلم و لزوم احترام ایشان اعلام داشتند، که مهم‌ترین موارد آن عبارت است از: وجوب تعظیم و احترام معلم، احترام کلاس درس، گوش فرا دادن و روی آوردن به او، پرهیز از بلند صحبت کردن در محضر استاد، پرهیز از پاسخ دادن به کسی که از استاد چیزی پرسیده است تا اینکه خود استاد پاسخ دهد، پرهیز از صحبت کردن با دیگران در کلاس درس و غیبت کردن، دفاع از استاد در برابر تهمت‌ها، عیب‌پوشی استاد، معرفی فضایل اخلاقی استاد، هم‌نشینی نکردن با دشمن استاد، و پرهیز از دشمنی با دوستان استاد. امام سجاد (ع) در پایان فرمودند: «اگر شخصی چنین کاری بکند فرشتگان آسمان گواهی می‌دهند که علم این شخص برای تقرب به خداوند بوده نه برای مردم».

۳. مثبت‌اندیشی و انعطاف‌پذیری

رفتارهای ملایم و به دور از تنش و اضطراب امکان برقراری گفت‌وگو سالم را فراهم می‌کند. برقراری گفت‌وگو سالم بین معلم و متعلم شرط یادگیری است. این رفتارهای سازنده بیشتر در انسان‌های معتدل با روانی سالم و نگرشی مثبت قابل مشاهده است. البته این حالت از آرامش روانی و اعتدال روحی باید دوطرفه باشد، بدین معنا که دو طرف گفت‌وگو، یعنی معلم و متعلم، هر دو باید این حالت را داشته باشند. ولی با توجه به اینکه سخن نخست و اثرگذار از آن معلم و استاد است، بنابراین انتظار می‌رود سخن استاد و رفتار و کردار او لطیف‌تر و نرم‌تر باشد.

معلم با توجه به اقتضای سنی و کم‌تجربگی نیاز به حامی و راهنما دارد. این حامی در خانه، پدر و مادر و در مدرسه معلم اوست. هر گاه نقش حمایتی پدر، مادر و معلم کم‌رنگ یا محو شود، شرایط استرس‌زا و دلهره‌آوری را برای فرزند به وجود می‌آورد و این امر منجر به لوذ شدن محیط درس و سرانجام افت تحصیلی متعلم می‌شود. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که محیط گرم و حمایتی برای کارآمدی معلم، به ویژه برای تشویق دانش‌آموزان بسیار سازنده است. معلمانی که حمایت‌گر، صمیمی و انعطاف‌پذیر هستند و بدون سخت‌گیری زیاد به تدریس می‌پردازند، باعث افزایش موفقیت‌های شناختی و عاطفی دانش‌آموزان می‌شوند، و معلمان غیرقابل اعتماد، و نصیحت‌گر موفقیت‌های شناختی و عاطفی کمتری کسب می‌کنند (موریس، ۱۳۸۴: ۹۰).

نگاه محبت‌آمیز معلم و کلام نافذ او شخصیت‌پرور است. تعامل عاطفی معلم نه تنها در جذب دانش‌آموز به درس کمک می‌کند بلکه در شکل‌دهی شخصیت متعلم نیز اثر می‌گذارد؛ و چه زیباست این گفته شاعر:

درس معلم از بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

ایجاد محیط امن و غیرتهدیدآمیز که در آن شاگردان بتوانند دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، و ارزشمند شمرده شوند از وظایف خطیر استاد و معلم است. معلم نباید از پاسخ اشتباه خود هراس و دلهره داشته باشد. او برای یادگیری آمده و باید این فرصت را داشته باشد تا اشتباه‌های خود را جبران کند. در مقابل استاد نباید واکنش تندی نسبت به ضعف شاگرد نشان دهد، بلکه باید این امر را بخشی از فرآیند یادگیری در نظر بگیرد. برخورد ملایم و مناسب با پاسخ‌های نادرست متعلم، توان تفکر وی را به چالش می‌کشد، و او را از انزوا و فرار از پاسخ که همان فرار از تفکر و اندیشیدن است، باز می‌دارد.

پاسخ به نیازهای عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان از راه تعامل صحیح و محبت‌آمیز باعث مشارکت بیشتر آنان در روند تدریس می‌شود. معلمانی که برای نیازهای عاطفی دانش‌آموزان ارزش قائل‌اند، و محیطی گرم و عاری از رقابت بیش از حد به وجود می‌آورند می‌توانند شکاف بین دانش‌آموزان را به حداقل برسانند.

۴. امیدبخشی و اعتمادپروری

امید به زندگی بهتر آرزوی هر انسانی است. شاید کمتر کسی را بتوان پیدا کرد که به امید و آرزو اعتقاد نداشته باشد. تحقق رؤیایها و آرزوها و کامیابی پس از تلاش و کوشش بسیار شیرین و دل‌چسب است، و نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود. از این‌رو، نگاه انسان‌های سازنده و مفید، رو به فرداست. حال را با سعی وافر و کار سخت پشت سر می‌گذارند تا آینده‌ای درخشان برای خود و افراد جامعه خود به ارمغان آورند. پس رفتار فرد، فردای جامعه را رقم می‌زند. به عبارت دیگر، رفتار افراد در هر اجتماعی شرط اساسی دوام و پیشرفت آن اجتماع به شمار می‌رود. بر همین اساس، باید به کودکان و آینده‌سازان جامعه آموخت که چگونه می‌توانند فرد مفیدی برای جامعه باشند. این یکی از وظایف مهم معلمان و آموزگاران است (ماسگریو، ۱۳۵۷: ۷).

اگر معلم بتواند بذر اعتماد به خود و امید به آینده را در جان و دل دانش‌آموز بکارد، رشد و بالندگی جامعه را تضمین کرده است. هدف از آموزش و پرورش، یا همان تعلیم و تربیت، تداوم تعلیم نیروهای انسانی جهت رشد و توسعه جامعه است. ایجاد شرایط رشد و توسعه فراگیر و همه‌جانبه در جامعه، خواست و فلسفه حقیقی آموزش و پرورش است (اسمیت، ۱۳۷۷: ۵۸).

هرگز نمی‌توان از فردی که انگیزه و امید برای زندگی ندارد انتظار فعالیت و تلاش داشته باشیم. چنین فردی نه تنها برای جامعه خود مفید نیست، بلکه برای خود نیز مفید نخواهد بود. از این‌رو، حس مفید بودن و امید به آینده داشتن را باید از اوان کودکی در درون انسان‌ها نهادینه کرد. چون هر فردی باید نقش خود را در جامعه درست ایفا کند، و ممکن است نقش‌های مختلفی بر عهده داشته باشد، و اگر نتواند صحیح عمل کند نظم عمومی را در آن اجتماع به هم خواهد زد (ماسگریو، ۱۳۵۷: ۹). شرط ورود به جامعه و پذیرش قوانین آن از راه تعلیم و تربیت میسر است. وقتی یک عضو جدید به جامعه وارد می‌شود مجبور است قوانین آن را بداند و شرایط عضویت را بیاموزد. به این کار در علم جامعه‌شناسی، اجتماعی شدن می‌گویند (همان: ۷).

در آموزه‌های دینی و اسلامی ما درباره نقش امید و رجا در زندگی انسان‌ها مطالب فراوانی ذکر شده، که توجه به آنها تأثیر بسزایی در شکوفایی زندگی فردی و اجتماعی خواهد گذاشت. پیامبر اکرم (ص) درباره امید داشتن فرمودند: «إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمُّ وَلَدًا وَ لَا عَرَّسَتْ غَارِثُ شَجْرًا» (پاینده، ۱۳۷۴: ۷۹۵)؛ امید رحمت خدا برای امت من

است. اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت. از امام حسن مجتبی (ع) این قول مشهور نقل شده است که فرمودند: «اعمل لِدُنْیَاکَ کَأَنَّکَ تَعِیْشُ أَبَدًا، وَاَعْمَلْ لِآخِرَتِکَ کَأَنَّکَ تَمُوتُ غَدًا» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۳۹/۴۴)؛ و این سخن ما را از هر سخن دیگری بی‌نیاز می‌کند.

۵. بی‌نیازی و توانمندی

شغل معلمی برخلاف مشاغل دیگر درآمدزا و پول‌ساز نیست. این شغل با جان و فکر و روان انسان‌ها سر و کار دارد، نه با پول و ثروت آنها. صیقل دادن اندیشه‌ها، پرورش روح و روان انسان‌ها، تربیت صحیح نسل‌ها، اعتلای فرهنگ جامعه، گسترش اخلاق و منش‌های پاک انسانی در اجتماع، برقراری عدالت و مساوات در آموزش و پرورش، توسعه حس زیبایی‌شناسی و هم‌نوع‌دوستی میان مردم، برطرف کردن نیازهای عاطفی و معنوی فرزندان، توانمندسازی افراد جامعه در برابر چالش‌های زندگی و ده‌ها دستاورد ارزشمند دیگر حاصل تلاش بی‌بدیل معلم است. این دستاوردها با هیچ ثروت و مالی قابل معاوضه و ارزیابی نیست.

در جامعه آرمان‌گرا معیار سنجش ارزش‌ها، پول و ثروت نیست، بلکه ثروت در خدمت ارزش‌ها قرار می‌گیرد نه برعکس. معلمی که می‌کوشد شاگردی امانت‌دار، میانه‌رو، راست‌گو، و حافظ مال مردم تربیت کند، در حقیقت بهترین ثروت را تقدیم جامعه کرده، هرچند دست او از ثروت کوتاه است. این عمل معلم همان سرمایه‌گذاری در حوزه منابع انسانی است. پس بی‌نیاز کردن معلم و توانمندسازی و اغنای او گامی است در تحقق این هدف بزرگ.

آیا معلمی که دغدغه معاش دارد، و فکر و ذهن او شبانه‌روز به حل مشکلات مادی مشغول است می‌تواند مسائل آموزشی و پرورشی بچه‌ها را حل کند؟ آیا ذهن آشفته و پریشان توان حل ساده‌ترین مسائل را دارد؟ آیا نادیده گرفتن نیازهای مادی معلم ضربه‌ای به شاکله تعلیم نمی‌زند؟ طبیعتاً پاسخ این پرسش‌ها سخت نیست. اگر بخواهیم نسلی پویا، خلاق و پرنشاط داشته باشیم باید در تأمین زندگی مناسب و مرفه برای معلم تلاش کنیم و این امری بسیار مسلم و بدیهی است (وایلز، ۱۳۷۲: ۴۲).

در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته معلمان و استادان از نظر دریافت حقوق و مزایا در رده کارکنان سطوح بالای شغلی و کارمندان ارشد دولت قرار می‌گیرند. هر ساله نسبت به افزایش حقوق معلمان در کلیه سطوح تحصیلی و آموزشی به منظور بالا بردن قدرت خرید و ارتقای سطح رفاهی آنها تصمیماتی اتخاذ می‌شود. حقوق معلمان با توجه به ارزش کاری که انجام می‌دهند باید در سطح بالاتری نسبت به حقوق کارکنان سایر مشاغل باشد، زیرا توجه به این اصل باعث می‌شود افراد زبده‌تر و شایسته‌تری جذب حرفه معلمی شوند. در نظام آموزشی کشورهای پیشرفته

تربیتی اتخاذ می‌شود تا معلمان شایسته در زمان کوتاه‌تری از ترفیع و ارتقای شغلی برخوردار شوند، و این ترفیع و ارتقا باید بر اساس توانایی شغلی، کیفیت کار، نتیجه ارزشیابی از عملکرد معلمان، و نه طول مدت خدمت آنان صورت پذیرد (آقازاده، ۱۳۸۳: ۷۳).

۶. علم‌آموزی و فرهنگ‌سازی

همگام شدن با تحول علم و فناوری و به روز کردن اطلاعات و اندوخته‌های علمی یکی از شرط‌های پیشرفت معلمان است. امروزه شتاب فوق‌العاده علوم و فنون، عرصه را برای رقابت و همراهی با تکنولوژی روز بسیار تنگ کرده، و هر گونه تعلل و سستی در این راه موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیر و عقب ماندن از گردونه تحولات می‌شود. این تغییر و تحولات در حوزه یادگیری نیز راه پیدا کرده و روز به روز دامنه آن گسترده‌تر و فراخ‌تر می‌شود. اگر در گذشته تنها به علم‌آموزی از راه انتقال اطلاعات اکتفا می‌شد، امروزه علم‌آموزی شامل ساز و کارهای بی‌شمار آموزشی شده، از قبیل اطلاع یافتن از یافته‌های منظم و منسجم علمی، یادگیری فنون و مهارت‌های نوین آموزشی، کاربرد ابزار در جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، رعایت احساسات و واکنش نشان دادن نسبت به معارف بشری، رعایت صداقت در جمع‌آوری اطلاعات و تشخیص خطاها و نارسایی‌ها با توجه به اصل تغییرپذیری در علم و موارد فراوان دیگر (شعبانی، ۱۳۹۰: ۷ و ۸).

معلم با این حجم سنگین کار به تنهایی نمی‌تواند کل فرآیند آموزش را راهبری کند، مگر اینکه موانع بین معلم و متعلم برداشته شود و رابطه بین این دو گرم‌تر و صمیمی‌تر شود. معلم بخشی از مسئولیت تعلیم را بر عهده شاگرد بسپارد، فرهنگ اکتشاف و خلاقیت را به او یاد دهد و واقعیت‌های زندگی را آن‌گونه که هست به تصویر بکشد. در اینجا نقش کلیدی معلم در پرورش شخصیت قوی و خلاق دانش‌آموز نمایان می‌شود. دانش‌آموز در این شیوه جدید از فردی مقلد و پیرو به شخصیتی نوآور و صاحب‌نظر تبدیل می‌شود، و همین روند به جامعه نیز منتقل می‌گردد (برگان، ۱۳۷۳: ۷۳، ۷۴).

از مزایای این روش برانگیختن حس استقلال در تعامل نزد دانش‌آموز و تبدیل شدن این حس به باور و رویکرد در زندگی فردی و اجتماعی اوست (میلر، ۱۳۸۳: ۱۰). به تدریج، این باور به بارور کردن باورهای دیگر منتهی می‌شود، باورهایی مانند خلاقیت و نوآوری، اختراع و اکتشاف، جرئت و شجاعت، اعتماد و خودباوری، کارآفرینی دسته‌جمعی، همکاری و همیاری عمومی، دوستی و عشق به هم‌نوع و باورهای دیگر که مجموعاً فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، امر خطیر فرهنگ‌سازی در جامعه بر عهده معلم است. معلم می‌تواند از راه تقویت شخصیت دانش‌آموز و پرورش توانایی‌های فطری او، بسیاری از ایده‌های والای انسانی را بگستراند، و جامعه را به سوی پیشرفت و کمال رهنمون شود. پی‌ریزی زیرساخت‌های اخلاقی و بنای جامعه متمدن و بافرهنگ، که کرامت انسانی را سرلوحه دستور زندگی خود قرار دهد، با دستان توانمند معلم امکان‌پذیر است.

۷. دینداری و خداباوری

نظارت بر عملکرد شخص و مراقبت از رفتار و کردار او موجب تصحیح خطاها و جبران اشتباهات می‌شود. این همان وظیفه‌ای است که دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان انجام می‌دهد. اگر انسان حضور خداوند متعال را در تمامی شئون زندگی خود احساس کند هرگز دست به معصیت نمی‌زند. حذف دین از دستور کار زندگی فرد به مثابه حذف دستگاه ایمنی بدن در برابر میکروب‌ها و انواع بیماری‌هاست. تصور چنین امری فاجعه‌آمیز است. با حذف دین و ناپدید شدن نشانه‌های ایمان، بسیاری از ناهنجاری‌های جامعه از قبیل بی‌بندوباری، فساد اخلاقی، ناسازگاری، عصیان و نافرمانی، پوچی و نومیدی، برجسته و پررنگ می‌شوند. در اینجا نقش معلم در تربیت دینی کودکان و نوجوانان و تبیین ارزش‌های ایمانی بسیار چشم‌گیر و قابل توجه است.

معلمی که درس خود را با نام و یاد خدا آغاز کند و با چهره‌ای بشاش و خندان به آموزش بپردازد و سرانجام درس خود را با نام خدا به پایان برساند، در حقیقت فضایی عطرآگین از یاد خدا به وجود آورده و افکار پلید و سوسه‌انگیز شیطانی را از خود رانده و محیطی امن برای یادگیری مؤثر مهیا کرده است. نمود عینی ارزش‌های دینی و اعتقادی در گفتار و کردار معلم و نشان دادن اهمیت ارتباط و انس با خدا در تمامی لحظات زندگی در یک چارچوب منظم آموزشی و پرورشی که تمامی این ارزش‌ها را عملاً به دانش‌آموزان آموزش دهد، بسیار مؤثرتر از تدریس نظری این ارزش‌ها خواهد بود (داوودی، ۱۳۸۵: ۱۶).

هر انسانی در برابر آلودگی‌ها و پلیدی‌ها نیاز به محافظ دارد. دین و تقوای الهی بهترین محافظ و نگه‌دارنده فرد از ارتکاب جرم و معصیت است. پیامبر اکرم (ص) در گفتاری حکیمانه، اساس حکمت را پرهیزکاری و ترس از خداوند متعال دانستند: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ» (پاینده، ۱۳۷۴: ۴۹۶). این سخن عبرت‌آموز در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بسیار راه‌گشاست. تصور کنید اگر هر فردی در انجام کارهای شخصی و وظایف اجتماعی خود خدا را مد نظر داشته باشد و حضور حق تعالی را حس کند، آیا می‌تواند کم‌کاری یا کم‌فروشی کند؟ آیا می‌تواند رشوه بگیرد؟ آیا می‌تواند خلاف قوانین و مقررات عمل کند؟

در حوزهٔ تعلیم و تربیت نیز نقش دین و ایمان به خدا در پیش‌گیری از لغزش‌ها و خطاها بسیار مهم و کارساز است. دانش‌آموزی که برای تحصیل علم و پرورش روح و جان خود قدم در راه مدرسه بگذارد، و یاد بگیرد که خداوند متعال همواره ناظر بر اعمال اوست، آیا می‌تواند وقت خود را به بطالت و تبلی سپری کند؟ آیا می‌تواند در جلسهٔ امتحان تقلب کند؟ آیا می‌تواند دروغ، غیبت، سخن‌چینی و آزار و اذیت کند؟ بی‌شک دانش‌آموز با ایمان و خداپاور هرگز به سراغ این اعمال زشت و پلید نمی‌رود.

۸. عدالت‌خواهی و برابری

کلاس درس معلم جامعه‌ای کوچک با فرهنگ‌ها و توانایی‌های متفاوت است. یک کلاس از تعدادی دانش‌آموز تشکیل می‌شود که از نظر شخصیتی، ضریب هوشی، مسائل روحی و روانی، امکانات مالی، و ... با هم متفاوت‌اند. این کلاس با همهٔ تضادها و تفاوت‌ها تنها با لطافت و مهربانی معلم یکپارچه و یک‌دل می‌شود. رعایت اصل عدالت و برابری میان یک جمع ناهمگون، امری بسیار سخت و طاقت‌فرساست. سختی کار در این است که معلم باید خصوصیات تک تک دانش‌آموزان خود را بشناسد، و آنها را از نظر وضعیت اجتماعی ارزیابی کند، و بر اساس شناسایی‌ها و ارزیابی‌ها رفتار کند.

درک صحیح و هوشمندانهٔ معلم از وضعیت عمومی دانش‌آموزان، راه درست تعامل را نمایان می‌سازد، و مشکلات پیش رو را به تدریج حل و فصل می‌کند. در یک کلاس دو نگاه عمده وجود دارد: یکی نگاه معلم است که باید منصفانه و بر اساس عدالت و برابری تنظیم شود؛ و دیگری نگاه دانش‌آموز است که نگاهی سراسر عاطفی است. بنابراین، همهٔ دانش‌آموزان بدون استثنا نیازمند محبت، لطف و توجه معلم هستند. هر نوع تبعیض بین دانش‌آموزان خواه به دلایل علمی یا استعدادهای فطری، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به سایر شاگردان وارد می‌کند. قوای عاطفی یک دانش‌آموز در رده‌های نخست تحصیلی بر قوای عقلی او غلبه دارد. او هرگز نمی‌تواند تصور کند که چرا معلم در برخورد با دانش‌آموزان متفاوت عمل می‌کند. او قدرت تشخیص علت را ندارد؛ چون احساسات قلبی و عاطفی سراسر وجودش را فرا گرفته است.

در اینجا وظیفهٔ سنگین معلم نمایان می‌شود. او از یک سو باید به همه اظهار محبت کند، و کسی را از قلم نیندازد، و از سوی دیگر تفاوت‌های فردی و شخصیتی دانش‌آموزان را لحاظ کند و بر اساس نیازسنجی، نیاز هر یک را به فراخور حال او برطرف کند. بنابراین، اصل عدالت و برابری در محبت کردن به شاگردان باید اجرا شود، و از هر گونه تبعیض و استثنا قائل شدن در این مورد جداً خودداری شود. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی ارزشمند فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقَبْلِ» (همان: ۳۰۶)؛ خداوند دوست دارد میان فرزندان خود حتی در

بوسیدن آنها به عدالت رفتار کنید. آنچه مسلم است این است که توجه پیامبر در این باره بیشتر به بُعد عاطفی قضیه است؛ چون بوسیدن نشانه عشق و محبت است. معلم نیز همانند یک پدر، همان رفتار پدرا نه را با شاگردانش در مدرسه اعمال می‌کند. نباید بین دانش‌آموزان فرق بگذارد، و کسی را بر دیگری به دلیل ممتاز بودن و درس‌خوان بودن ارجح و برتر بداند. این روش تبعیض‌آمیز کمکی به پیشرفت دانش‌آموزان کلاس نمی‌کند.

۹. لیاقت و شایستگی

خُلُق نیکو، فضیلت است، و انسان فاضل صاحب خُلُق نیکوست. انسانی که به فرمان اخلاق و ارزش‌های اخلاقی عمل می‌کند بسیار برتر از کسی است که موظف به انجام کارها بر اساس موازین اخلاقی است. انسانی که خود را مقید و پای‌بند به رعایت اصول اخلاقی بداند و به هیچ وجه تحت فشار مقررات دست و پاگیر اداری ملزم به انجام چنین کارهایی نشود، لیاقت تدریس را دارد؛ چون تدریس را وظیفه اخلاقی می‌داند نه شغل اداری. به همین دلیل کار اخلاقی او زمان نمی‌شناسد و همیشه در خدمت شاگرد است.

لیاقت و شایستگی معلم در تعهد اخلاقی اوست، و این تعهد منشأ تحول جامعه است. اگر تعهد و وجدان بیدار معلم نبود ارزش‌ها و آسیب‌های جامعه آشکار نمی‌شد. استعدادهای توانمندی‌های شاگردان پنهان می‌ماند، و به قولی خوب و بد در کنار هم قابل تشخیص نبودند. معلم با چشم تیزبین خود اشکالات درسی دانش‌آموزان را می‌بیند، آسیب‌های روحی و روانی بچه‌ها را تشخیص می‌دهد، و به دنبال راه‌حل برای این مشکلات و آسیب‌ها می‌گردد. برای او بسیار مهم است که شاگردش را در عالی‌ترین درجات موفقیت‌های علمی و اجتماعی ببیند. دوست دارد حاصل دست‌رنج خود را به بار بنشیند. دانش‌آموز را فرزند خود می‌داند، و برای او، سرنوشت دانش‌آموز، همانند سرنوشت فرزندش، مهم تلقی می‌شود.

معلم لایق و شایسته بی‌خیال و لابلالی نیست. ارزشمندی او در پی‌گیری و پرحوصلگی اوست. از آنجایی که اشکالات رفتاری و اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر بسیار مهمی بر روند آموزش و یادگیری دارد، به همین دلیل پی‌گیری و مداومت معلم برای رفع این اشکالات لازم و ضروری است. طبیعتاً معلمی که کم‌حوصله باشد، و وقت کافی برای وظایف خود اختصاص ندهد نمی‌تواند منشأ اثر مفیدی برای جامعه دانش‌آموزان باشد.

معلم خوب همواره در برابر خدا و در برابر وجدان بیدار خود مسئول است. حسن انجام کار باعث آرامش خاطر او می‌شود و چنانچه ناخواسته اشکالی در کار او پدید آید موجب رنجش و عذاب وجدان او خواهد شد. رضای خداوند سرلوحه فعالیت‌های اخلاقی و انسانی اوست. به همین

دلیل می‌کوشد این فضیلت اخلاقی، یعنی کسب رضایت و خشنودی خداوند، را به شاگرد خود منتقل کند تا او نیز، به سهم خود، این هدف مقدس را در جامعه بگستراند. معلم صالح الگویی برای افراد جامعه است. الگو شدن او به خاطر داشتن مجموعه‌ای از صفات خوب و خصلت‌های نیک مانند راستی، امانتداری، بردباری، متانت، شهامت، گذشت و خوش‌رویی است. بنابراین، وظیفه او برای حفظ این ارزش‌ها بسیار سنگین است، و همواره باید برای گسترش آن در جامعه تلاش کند.

۱۰. عزت و کرامت انسانی

کمال فرد و تکامل شخصیتی انسان هدفی بسیار بزرگ در جامعه انسانی و آرمانی است. همین خصلت انسانی باعث برتری انسان بر تمامی موجودات شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الإسراء: ۷۰). تکریم انسان از سوی حضرت حق با تأکیداتی که در آیه شریفه آمده به مثابه یک اصل در زندگی فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌آید. هدف از زندگی انسان در این دنیا فراهم آوردن شرایط رسیدن به کمال و تحقق زندگی خوشایند است. خدای منان می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (النحل: ۹۷). پس راه رسیدن به حیات طیبه و زندگی آرمانی همان عمل صالح و رفتار نیک انسانی است.

پیامبر اکرم (ص) کمال انسانی را همان رفتار نیک همراه با راستی و صداقت می‌داند: «الْكَمَالُ حُسْنُ الْفِعَالِ بِالصِّدْقِ» (پاینده، ۱۳۷۴: ۴۳۳). تأکید بر این خصلت مهم و اجرای آن در تعامل با انسان‌ها موجب رسیدن به مقام کرامت انسانی، که همان خواست الهی است، می‌شود. در نظام آموزشی انسان‌محور و اخلاق‌مدار کانون توجهات همان انسان است. عزت و کرامت انسانی بالاتر از هر اعتبار دیگری است. هیچ چیز بالاتر و ارزشمندتر از انسان نیست. همه اعمال و افعال دنیوی در جهت رفاه، آسایش و عزت انسان انجام می‌شوند. کاری که منجر به تحقیر و ذلت انسان می‌شود، هرچند پردرآمد باشد، ارزشی ندارد.

نقش معلم در پرورش حس کرامت‌طلبی و عزت‌خواهی در میان دانش‌آموزان اهمیت فراوانی دارد. معلم خوب باید به شاگردانش بیاموزد که تملق و چاپلوسی برای اخذ نمره کاری ناشایست است، و در این راه نباید خود را دلیل و خوار کرد. کرامت دانش‌آموز و شخصیت انسانی او بالاتر از هر نمره و امتیازی است و این مسئله باید در رفتار معلم و آموزش‌های او نمایان شود (اوبیر، ۱۹۹۱: ۴۹۹).

در نظام آموزشی نمره‌محور، ملاک، رسیدن به نمره از هر راه ممکن است. این هدف، ارزش‌های اخلاقی را قربانی می‌کند، و عایدی جز یک مدرک کم‌ارزش ندارد. آموزش مبتنی بر اخلاق این روش را دور از شأن انسان می‌داند، و راه صحیح را در این می‌بیند که دانش‌آموز با رعایت اصول اخلاقی و تلاش برای علم‌آموزی حقیقی وارد رقابت سالم جهت کسب جایگاه واقعی خود شود. هر گونه تشویق برای نمره‌گیری از راه‌های نادرست که بیشتر ذهن خلاق دانش‌آموز را مخدوش کند، نه تنها کمک به یادگیری صحیح نمی‌کند بلکه ارزش‌های انسانی را زیر سؤال می‌برد.

نتیجه‌گیری

از بررسی موضوع اخلاق در نظام آموزشی و تبیین جایگاه و شأن آن در تعلیم و تربیت نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. معلم در پای‌بندی به اصول اخلاقی، اعتقادی، و علمی الگوی دانش‌آموز است.
۲. مقام تعلیم و آموزش بسیار مقدس و بلندمرتبه است، و معلم در هر زمان و مکانی شایسته تقدیر و احترام واقعی است.
۳. رسالت معلم راهنمایی و هدایت نسل‌هاست که باید بر اساس سنت‌های صحیح و آموزه‌های درست دینی صورت پذیرد.
۴. وظیفه معلم تنها علم‌آموزی نیست، بلکه امر مهم و خطیر فرهنگ‌سازی نیز بر عهده اوست.
۵. معلم نماد یک شخصیت فرهیخته و داناست. در حفظ و اعتلای این شخصیت باید کوشا باشد.
۶. معلم نماد تعامل و رفتار شایسته در جامعه است.
۷. احترام معلم به قوانین و حقوق جامعه به مثابه احترام افراد جامعه به این اصول قانونی است.
۸. تعهد اخلاقی معلم مکمل تعهد علمی اوست.
۹. نظام آموزشی در جامعه آرمانی باید اخلاق‌محور و ارزش‌مدار باشد.
۱۰. رعایت ارزش‌های انسانی و اخلاقی در نظام آموزشی کارآمد بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی را مهار می‌کند.

۱۱. در نظام آموزشی کارآمد به ارزش‌هایی مانند وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، مثبت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، امیدواری، اعتماد به نفس، دینداری، خداباوری، عدالت‌خواهی، هم‌نوع‌دوستی، تکامل و عزت‌طلبی توجه خاصی می‌شود.
۱۲. ارزیابی انسان‌ها در جامعه آرمانی بر اساس معیارهای اخلاقی، نه معیارهای مادی و دنیوی است.
۱۳. با گسترش اخلاق و عمل به آن، بسیاری از چالش‌ها و تهدیدات اجتماعی قابل تحمل می‌شوند.
۱۴. خشنودی خداوند متعال و تحقق اهداف انسانی در نظام آموزشی اخلاق‌مدار از اهداف مهم جامعه اسلامی است.
۱۵. در یک جامعه فعال و کارآمد، ارزش‌های معنوی در کنار ارزش‌های مادی حضور دارند، و هر یک بدون حذف دیگری به نقش‌آفرینی می‌پردازند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسمیت، فیلیپ جی. (۱۳۷۷). *فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه: سعید بهشتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. آقازاده، احمد (۱۳۸۳). *آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی*، تهران: نشر روان.
۴. امین، احمد (۱۹۳۱). *کتاب الاخلاق*، القاهرة: لجنه التألیف والنشر والترجمه.
۵. اوبیر، رونیه (۱۹۹۱). *التربیه العامه*، ترجمه: عبد الله عبد الدائم، بیروت: دار العلم للملایین.
۶. برگان، جان آر. (۱۳۷۳). *روان‌شناسی مدرسه در جامعه معاصر*، ترجمه: فرهاد ماهر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۷. پاینده، ابو القاسم (۱۳۷۴). *نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)*، تهران: انتشارات جاویدان.
۸. داوودی، محمد (۱۳۸۵). *نقش معلم در تربیت دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. دب، الیاس (۱۹۸۱). *مناهج واسالیب فی التربیه والتعلیم*، بیروت: دار الکتب اللبنانی.
۱۰. سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۷۲). *کلیات سعدی*، تهران: نشر علم.
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۲). *نهج البلاغه، وهو مجموع ما اختاره الشریف الرضی من کلام امیر المؤمنین علی (ع)*، قم: دار الهمجره.
۱۲. شعبانی، حسن (۱۳۹۰). *روش تدریس پیشرفته: آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر*، تهران: انتشارات

سمت.

۱۳. طبرسی، الفضل بن الحسن (۱۹۹۵). *مجمع البيان في تفسير القرآن*، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۱۰.
۱۴. قبانچی، حسن (۱۴۰۶). *شرح رساله الحقوق للامام زين العابدين (ع)*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۸۵). *الجامع لأحكام القرآن*، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۳.
۱۶. ماسگریو، پی. دابلیو (۱۳۵۷). *جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت*، ترجمه: ناهید فخراپی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳). *بحار الأنوار*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بيروت: مؤسسه الوفاء، ج ۴۴.
۱۸. موريس، دانيل؛ ديويدي رينولدز (۱۳۸۴). *آموزش مؤثر: روش تدریس کارآمد*، ترجمه: محمدعلی بشارت، حمید شمسی‌پور، تهران: انتشارات رشد.
۱۹. میلر، جی. پی. (۱۳۸۳). *نظریه‌های برنامه درسی*، ترجمه: محمود مهرمحمدی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۰. النجیحی، محمد لیب (۱۹۸۱). *فی الفكر التربوی*، بيروت: دار النهضه العربیه.
۲۱. وایلز، کیمبل (۱۳۷۲). *مدیریت و رهبری آموزشی*، ترجمه: محمدعلی طوسی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی